

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۶	معرفی کتاب: مادر و کودکش	۲	یادداشت: آیا می‌توان برای ازدواج سقف سنی تعیین کرد؟ (۱)
		۵	گزارش پژوهش: نقش تبعیض جنسیتی ادراک شده و سبک‌های هویتی در پیش‌بینی درماندگی آموخته شده در دختران با تجربه فرار از خانه



یادداشت: آیا می‌توان برای ازدواج سقف سنی تعیین کرد؟ (۱)

دکتر غلامعلی افروز

استاد ممتاز دانشگاه تهران

با عنایت به اینکه هدف غایی ازدواج در گستره حیات و برای همیشه زندگی احساس آرامش و تجربه خوشبختی است و دیگر عملکردهای ازدواج همچون ارضای مطلوب و مشروع تمایلات جنسی و کشش‌های نفسانی و فرزندآوری از پیامدها و نتایج قهری ازدواج است و نه هدف اصلی آن، و با درک این حقیقت که همه داوطلبان ازدواج دوست دارند در همه لحظه‌های زندگی، به ویژه در سال‌های پیری و کهنسالی از چنین آرامش و آرامشگری برخوردار شوند آیا می‌توان برای ازدواج یک سقف محدود سنی را تعیین و تعریف نمود؟ یقیناً با توجه به اینکه همه انسان‌ها، کودکان و نوجوانان، جوانان و بزرگسالان، سالمندان و پیران محبت‌پذیر و تکریم طلب آفریده شده و نیازمند آرامش ماندگار می‌باشند و از سویدای درون بر این باورند که یاد و ایمان به خالق زوج آفرین و ازدواج و آرامیدن کنار همسری دل آرام و آرامشگر دو منبع اصلی آرامش وجود می‌باشد، هرگز تعیین سقف سنی برای ازدواج نمی‌تواند امری منطقی و عقلانی باشد. چرا که همه زنها و همه مردها برای همیشه زندگی به ویژه در سالهای سالمندی و پیری بیشتر به آرامش نیاز دارند.

از نگاه دیگر در ارائه یک پاسخ منطقی و عقلانی و جهان‌شمول به این سوال بسیار مهم و اساسی بایسته است توجه خاصی به یافته‌های نوین پژوهشی پیرامون افزایش چشمگیر استانداردهای بهداشتی و

سلامت به ویژه در خانم‌ها، گستره عمر، امید به زندگی و احساس نیاز روانی به همدلی و همراهی همسری دل-آرام و آرامش‌بخش به ویژه در سالمندی مبذول گردد.

در جهان معاصر، با پیشرفت علوم و اعتلای فرهنگ زیستی، دانش‌افزایی مستمر خانواده‌ها در حوزه سلامت، فراهم شدن تحصیلات پیش دانشگاهی و دانشگاهی برابر برای دخترها و پسرها در مناطق شهری و روستایی، همگانی شدن بهداشت و خدمات پزشکی و درمانی، حضور فعال‌تر خانم‌ها در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، اعتلای هرچه بیشتر مقام و منزلت بانوان و رعایت اصول بهداشتی در فرزندآوری، در غالب کشورها، افزونی امید به زندگی در بین مردان و زنان به صورت هماهنگ قابل مشاهده می‌باشد.

در گذشته، به دلایل مختلف از جمله، فرزندآوری‌های متعدد و در غالب موارد به دور از تدبیر بایسته و بدون برنامه ریزی لازم، عهده‌دار شدن کارهای سخت در خانه و بعضاً خارج از خانه همچون مزارع و کارخانه‌ها، نقصان مراکز مطلوب خدمات بهداشتی، کم توجهی در رعایت اصول بهداشت فردی، عدم بهرمندی از تغذیه مناسب، کمبود امکانات پزشکی و درمانی، ابتلای درصد قابل توجهی از مادران به بیماری‌های عفونی، کم‌خونی و سرطان رحم و غیره، بسیاری از ایشان زود هنگام دچار فرسودگی جسمانی و دلمردگی روانی و پیری زودرس و مرگ زود هنگام می‌شدند و میانگین عمرشان کمتر از آقایان بود.

اما امروزه، با گسترش روزافزون خدمات موثر بهداشتی و درمانی و کاهش قابل ملاحظه میانگین خانوار و افزونی فوق العاده دانش بهداشتی مادران، در غالب کشورها بالاخص در کشورهای آمریکایی و اروپایی و برخی کشورهای آسیایی از جمله ایران، میانگین عمر خانم‌ها به میزان در خور تأملی بیشتر از میانگین عمر آقایان است.^۱ نکته دیگری که در زمینه گستره عمرخانم‌ها می‌توان بدان اشاره نمود حفظ سلامت، سرزندگی و نشاط و پویایی نزد بسیاری از خانم‌ها بعد از دهه پنجم یا ششم حیات‌شان است، به گونه‌ای که بسیاری از خانم‌ها در سنین پنجاه یا شصت سالگی نیز دارای ظاهری آراسته و جاذبه‌های شایسته همسری می‌باشند. لذا

^۱ مطابق آمار سازمان ثبت احوال در حال حاضر در ایران امید به زندگی خانم‌ها قریب به ۴ سال بیشتر از آقایان است و در آمریکا خانم‌ها حدود ۷ سال از آقایان بیشتر زندگی می‌کنند.

این تصور نادرست کلیشه‌ای در نزد برخی از عوام و بعضاً خواص کم توجه و کم بصیرت که همه خانم‌ها در سنین بالای چهل سالگی فوق‌العاده شکسته می‌شوند کاملاً ناصحیح و ناروا و به دور از مروت و انضاف علمی است. . در واقع سلامت زیستی و پویایی حیاتی دختران ۴۰ ساله امروز همانند دختران ۲۰ ساله چهل تا پنجاه سال گذشته است و همان طوری که پیش‌تر اشاره شد مطلقاً روا نیست که در مخاطب قرار دادن دختران مجرد ۴۰ سال به بالا که عموماً از نظر زیستی و روانی آمادگی کامل برای ازدواج موفق و فرزندآوری مطلوب دارند اصطلاحاً فوق‌العاده قدیمی که نشان از واماندگی فرهنگی و دور بودن از یافته‌های پژوهش‌های نوین و جهان‌شمول است نظیر "پیردختر" را به زبان جاری نمود و علاوه بر ایجاد اضطراب و تعارض در آنها و خانواده‌های ایشان مانع فرهنگی دیگری را به موانع ازدواج افزود.

گزارش پژوهش:

نقش تبعیض جنسیتی ادراک شده و سبک‌های هویتی در پیش‌بینی درماندگی آموخته شده در دختران با

تجربه فرار از خانه

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش تبعیض جنسیتی ادراک شده و سبک‌های هویتی در پیش‌بینی درماندگی آموخته شده در دختران با تجربه فرار از خانه بود. این پژوهش به لحاظ روش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش دختران مراجعه‌کننده به مراکز نگهداری و سرپناه شبانه منطقه ۱۲ (محل شوش) شهر تهران در سه ماهه اول سال ۱۴۰۰ بودند که از میان آن‌ها تعداد ۱۲۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه درماندگی آموخته شده (LHS) (کوینلس و نلسون، ۱۹۸۸)، پرسشنامه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی (SSE) (کلونوف و لندرین، ۱۹۹۵) و پرسشنامه سبک هویت (ISI) (برزونسکی، ۱۹۹۲) بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی همزمان استفاده شد. یافته‌ها نشان داد تبعیض جنسیتی ادراک شده (رویدادهای تبعیض‌آمیز در یک سال گذشته و در طول عمر) و سبک هویت سردرگم/اجتنابی با درماندگی آموخته شده رابطه مثبت و معنادار و سبک‌های هویت هنجاری، اطلاعاتی و تعهد هویت با درماندگی آموخته شده رابطه منفی و معنادار داشتند ($P < 0/05$). همچنین نتایج رگرسیون نشان داد که رویدادهای تبعیض‌آمیز در طول زندگی، رویداد تبعیض‌آمیز در طول یک سال گذشته، سبک هویتی اطلاعاتی، سبک هویتی هنجاری و سبک هویتی اجتنابی/سردرگم ۰/۵۲ درماندگی آموخته شده را پیش‌بینی می‌کنند. با توجه به تبعیض جنسیتی ادراک شده و سبک‌های هویتی در پیش‌بینی درماندگی آموخته شده در دختران با تجربه فرار از خانه، اجرای کارگاه‌های آموزشی بر مبنای این مفاهیم به خانواده‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

منبع: رفیعی، محسن؛ عباسی، مژگان؛ راوند، معصومه؛ و کشمیری، علی (۱۴۰۰). نقش تبعیض جنسیتی ادراک شده و سبک‌های هویتی در پیش‌بینی درماندگی آموخته شده در دختران با تجربه فرار از خانه. *رویش روان‌شناسی*، ۱۰(۱۱)،

۱۴۹-۱۵۸.



تألیف: سلمان اختر

ترجمه: دکتر زهرا قنبری، دکتر تکتم کاظمینی

تعداد صفحه: ۲۵۶

انتشارات: ارجمند

توضیح:

کتاب «مادر و کودکش»: جنبه‌های بالینی دلبستگی، جدایی و فقدان» به قلم پروفسور سلمان اختر ویرایش شده است. این کتاب به نحوه شکل‌گیری و تکوین «خود» در فرد با تمرکز بر رابطه اولیه مادر- فرزند می‌پردازد. کتاب حاضر با فراهم آوردن آثاری از روان‌کاوان برجسته و محققانی که مشاهده‌گر کودک بودند نکات دقیق و ظریفی چون مقوله مادری، جزئیات شکل‌گیری پیوند نوزاد با مادر، رموز شکل‌گیری انواع دلبستگی و مخاطرات دلبستگی نایمن را مطرح می‌کند. موضوعات جدایی، فقدان و منابع جایگزین عشق در هنگام غیبت یا

دسترس‌ناپذیری هیجانی مادر مورد بحث قرار می‌گیرند؛ همچنین، اهمیت این ایده‌ها در شکل‌گیری دنیای کودک و روابط بعدی او در بزرگسالی مطرح می‌شوند؛ افزون بر این، تکنیک‌هایی جهت درمان کودکان و بزرگسالان ارائه می‌شوند. از جمله نکات برجسته این کتاب می‌توان به این موارد اشاره کرد که تعاریف جامع و قابل فهمی از نحوه فرایند تحول از بدو تولد ارائه داده و خواننده را قدم به قدم با نظریه‌های تحلیل‌گران و مثال‌هایی جامع همراهی می‌کند. مطالعه این کتاب می‌تواند طیف گسترده‌ای از خوانندگان را اغنا کند؛ در وهله اول با نگاهی طبقه‌بندی شده و تخصصی دانشجویان رشته روان‌شناسی را با مفاهیم تخصصی و نظریه‌های تحلیلی تحول آشنا می‌کند؛ با ارائه نمونه‌های نظری و عملی از جلسات درمانی مختلف، تکنیک‌های ارزشمندی را به درمانگران و کاندیداهای درمان تحلیلی آموزش می‌دهد. همچنین، اطلاعات مورد نیاز مادران جوان را به زبانی قابل فهم برای آنان فراهم می‌کند. ویژگی برجسته کتاب، نگاه تحلیلی و روان‌کاوانه مؤلف به مقوله رابطه مادر- نوزاد است که با توجه به رشد تقاضای یادگیری و آموزش روان‌کاوی در ایران می‌تواند نقش مؤثری در فرایند و کیفیت آموزش‌های نظری و عملی داشته باشد.